

Datis, the Commander of Darius the Great in the Battle of Marathon: Persian or Median?

Tahmoores Mehrabi¹

Abstract

With the establishment of the Achaemenid state by Cyrus the Great (550-530 BC), although the Median empire was dissolved, many Median commanders joined Cyrus the Persian, two of whom were Harapagus and Mazaris. During the time of Cambyses, the Medes were with the Persians in many battles, but during the time of Darius, with the rebellion of Gaumata and the rebellion of Phraortes in Media and Parthia, Darius became pessimistic towards the Medes and believed that the Medes were planning to establish their own government again. In order to reduce the influence of the Medes and because of the rebellion that threatened the Achaemenid Empire, he put the name of Medes in the tenth place in the list of satrapies in the Behistun Inscription. However, Darius commanded the Battle of Marathon in 490 BC. handed over to Datis. There are still debates and differences of opinion among researchers about whether Datis was a Median or a Persian, but in most Greek writings, he is referred to as “a Mede”. Considering that Darius was completely pessimistic towards the Medes at this point in time and

1. PhD student of ancient Iranian history, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
t.mehrabi91@gmail.com

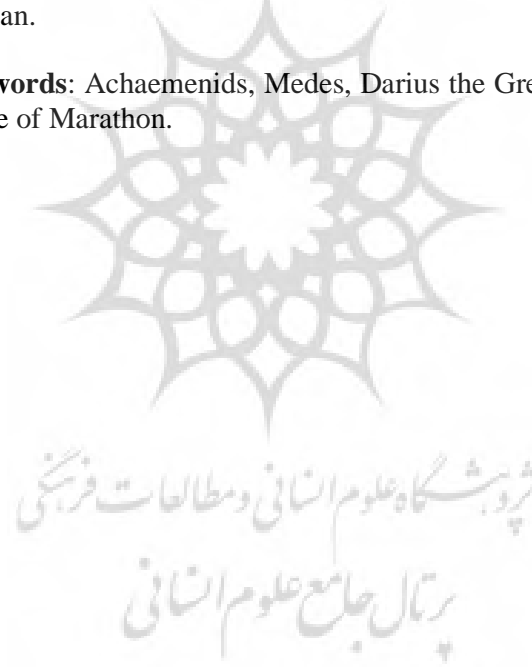
Received: May 14, 2024 - Accepted: Oct 1, 2024



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

actually saw the Medes as a threat in overthrowing the Persian government, the presence of a Median commander in the battle of Marathon is far from expected and it seems that Datis has been Persian. So far, no independent research has been done about Datis, only in some books and when describing the battle of Marathon, he has been mentioned in passing. In this essay, using ancient historical reports and archeological data, the character of Datis, whether he is a Median or a Persian, and the reason why he was chosen by Darius to command the battle of Marathon will be analyzed. By examining and analyzing the sources, it seems that Datis was Persian and not Median.

Keywords: Achaemenids, Medes, Darius the Great, Datis, Battle of Marathon.



داتیس، فرمانده داریوش بزرگ در نبرد ماراتن: پارسی یا مادی؟

طهمورث مهرابی^۱

چکیده

با تشکیل حکومت هخامنشی توسط کوروش بزرگ (۵۳۰-۵۵۰ پ.م)، اگرچه شاهنشاهی مادها برچیده شد، اما بسیاری از فرماندهان مادی با کوروش پارسی همراه شدند که دو تن از آنها هاراپاگ و مازاریس بودند. در زمان کمبوجیه نیز، مادها در بسیاری از نبردها همراه پارسیان بودند، اما در زمان داریوش با قیام گئومات و شورش فرورتیش در ماد و پارت، داریوش نسبت به مادها بدبین شد و معتقد بود که مادها قصد دارند دوباره حکومت خود را تشکیل دهند. وی برای کاهش نفوذ مادها و به دلیل شورش‌های شاهنشاهی هخامنشی را تهدید کرده بود نام ماد را در کتیبه بیستون، در فهرست ساتراپی‌ها در جایگاه دهم قرار داد؛ با این همه، داریوش فرماندهی نبرد ماراتن در سال ۴۹۰ پ.م. را به داتیس سپرد. هنوز در بین پژوهندگان درباره مادی یا پارسی بودن داتیس بحث و اختلاف نظر وجود دارد، اما در بیشتر نوشته‌های یونانی از وی با نام «داتیس مادی» یاد شده است. با توجه به اینکه داریوش در این برهه از زمان کاملاً نسبت به مادها بدبین بود و در حقیقت مادها را نوعی تهدید در براندازی حکومت پارس می‌دید، وجود فرمانده‌ای مادی در نبرد ماراتن بسیار دور از انتظار بوده و به نظر می‌رسد «داتیس پارسی» بوده است. تاکنون درباره داتیس

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران باستان دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

Tahmores.mehrabi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰



تحقیق مستقلی صورت نگرفته است، تنها در پاره‌ای از کتاب‌ها و هنگام شرح نبرد ماراتن به وی اشاره‌ای گذرا شده است. در این جستار، با استفاده از گزارش‌های تاریخی کهن و داده‌های باستان‌شناختی، به واکاوی شخصیت داتیس، مادی یا پارسی بودن وی و دلیل انتخاب وی توسط داریوش برای فرماندهی نبرد ماراتن پرداخته خواهد شد. با بررسی و تجزیه و تحلیل منابع به نظر می‌رسد داتیس پارسی بوده است نه مادی.

واژه‌های کلیدی: هخامنشیان، مادها، داریوش بزرگ، داتیس، نبرد ماراتن.

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

پس از سقوط شاهنشاهی ماد، سپاهیان ماد در بیشتر لشگرکشی‌های هخامنشیان شرکت می‌جستند و به آنان در نبردهای داخلی و خارجی کمک می‌کردند. در جنگ هخامنشیان با آتینان در ماراتن (سال ۴۹۰ پ.م)، یکی از سرداران ایرانی داتیس بود. داتیس که در لوحی کشف‌شده در تخت جمشید نیز نام او آمده است، در بیشتر منابع بدون اشاره به نام مادر یا پدر به صورت «داتیس مادی» یاد شده است. می‌دانیم که علاوه بر هرودوت، دیگران نیز گاهی هخامنشیان و شاهنشاهی آنان را «مادی» می‌نامیدند و این احتمال وجود دارد که به همین دلیل پیوسته نام داتیس در نوشته‌های آنان با مادی همراه باشد. داریوش که در صدد بود تا یونانی‌ها را به دلیل ندادن آب و خاک تنبیه کند، مردونیه را از این جهت که تجربه کافی نداشت معزول و داتیس را سردار نبرد با ارتری و آتن کرد. داتیس زمانی به فرماندهی در ماراتن انتخاب شد که داریوش به تازگی از قیام مادها فارغ شده و به تنبیه آن‌ها پرداخته بود. وی حتی نسبت به مادها در گرفتن قدرت مرکزی که توسط گئومات صورت گرفته بود، بدبین بود که بلافاصله بعد از آن نیز با شورش فرورتیش مادی روبه‌رو شد؛ شورش که از دید داریوش، از بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین سرکشی‌هایی بود که تا آن زمان شاهنشاهی هخامنشی و حکومت

داریوش را تهدید می‌کرد. برکناری مردونیه و انتخاب داتیس که تا آن زمان نامی از وی برده نشده بود، دو نکته را به همراه دارد؛ یا داتیس شخصیتی فعال و نام‌آور در امور جنگ و آشنا به تاکتیک‌های جنگی در برابر یونانی‌ها بود، یا این شخص پارسی و از حاکمان مناطق معروف و در حقیقت پارسی‌زاده بوده است؛ زیرا پیش از آن نیز به دستور داریوش مأمور تفحص در آسیای کوچک بود.

هر چند کمبود منابع و شواهد تاریخی باعث شده است که شخصیت و جایگاه سیاسی داتیس در تاریخ هخامنشیان فقط با نبرد ماراتن، بدون شرح جزئیات درباره خود این فرمانده همراه شود، اما شواهد کافی برای بررسی شخصیت تاریخی وی و نقش او در تاریخ سیاسی هخامنشیان به ویژه در دوره داریوش باقی مانده است که با بررسی آن‌ها می‌توان تا حدود زیادی به نقش و جایگاه سیاسی داتیس و فرزندانش در تحولات سیاسی دوره هخامنشیان پی‌برد. درباره نبرد ماراتن و فرمانده آن، غیر از نوشته‌های یونانی، مدارک دیگری باقی نمانده است؛ البته همان‌طور که گفته شد این منابع به پارسی یا مادی بودن داتیس که موضوع این پژوهش هست اشاره‌ای نداشته‌اند، بلکه بیشتر به گزارش نبرد ماراتن پرداخته‌اند؛ لذا منابع یونانی که می‌توانند ما را در این زمینه یاری دهند تاریخ هرودوت، پرسیکای کتزیاس، مجموعه تاریخی دیودورس، و از پژوهندگان جدید به امپراتوری هخامنشی، نوشته پیر بریان، تاریخ ماد از دیاکونوف، پادشاهی ماد از اقرار علی‌یف، تاریخ سیاسی هخامنشی از داندامایف و تاریخ شاهنشاهی هخامنشی از اومستد اشاره کرد که آنان نیز گذرا و تنها به ذکر داستان نبرد ماراتن اشاره کرده و به داتیس و جایگاه و تبار او پرداخته‌اند. برخی از روایات آن‌ها نیز در خصوص شکست داتیس (تاریخ شاهنشاهی هخامنشی از آلبرت اومستد) چندان قابل اطمینان نیستند و در استفاده از آن‌ها باید احتیاط لازم را داشت تا نتیجه‌گیری به بی‌راهه نرود. این جستار با درک این مطلب تلاش دارد، با تکیه بر منابع این دوران و داده‌های باستان‌شناسی و با استفاده از شیوه پژوهش‌های تاریخی، ابتدا به ریشه‌شناسی این نام، مادی یا پارسی بودن داتیس و نقش و جایگاه این فرمانده و فرزندان وی در تاریخ هخامنشیان پردازد.

۲-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

آنچه اهمیت این پژوهش را دو چندان می‌کند نخست اندیشه‌های تقریباً یکسان مورخان درباره‌ی روایت تبار و مادی خواندن داتیس است و دو دیگر، فقدان پژوهشی مستقل که به تحلیل انتقادی روایت هرودوت و دیگر مورخان یونانی بپردازد. باید توجه داشت با توجه به مادی خواندن شاهنشاهی هخامنشی توسط یونانیان و یا خطاب قراردادن شخصی که ساتراپ آن منطقه است به این نام، در نتیجه این پژوهش می‌تواند اهمیت فراوانی برای درک و تصور ما از روابط مادها و پارس‌ها از اوایل شاهنشاهی هخامنشی و فرماندهان برجسته هخامنشی داشته باشد.

۲. بحث

۲-۱. نام‌واژه داتیس و مادی یا پارسی بودن آن

داتیس (Dâtis) که در لوحی کشف شده در تخت جمشید نام او به صورت دتیه (Da-ti-ya) و در ارمنی به شکل Դատիս و به یونانی به صورت داتیس / Δάτις دیده می‌شود از ریشه «دا» که از دادر = Dadar می‌آید و «تایس = Tis» به معنی بخشنده، گرفته شده و به معنی «بخشیده خدا» یا همان «خداداد» است (Schmitt, 1984: 468; Schmitt, 1994: 1-2; Briant, 2002: 370; Briant, 2012: 198) و یا اینکه به کدام قوم از اقوام مادی تعلق دارد، پیوسته «داتیس مادی» خوانده شده است (Herodotus, 1890/ VI: 94). داتیس نامی است به زبان یونانی، که همان دتیه (Da-ti-ya) در لوح کشف شده در تخت جمشید است (Sekunda, 2002: 15-16; Lewis, 1980: 195). با وجود اینکه تقریباً منابع یونانی او را مادی معرفی کرده‌اند، اما منطقی نیست او را با عنوان یک مادی در این برهه از تاریخ در کنار برادرزاده داریوش در نبرد مارتن بپذیریم (Georges, 2000: 29; Lewis, 1980: 195).

هرودوت و دیودورس بیان می‌کنند که داتیس دارای نژاد مادی بود (Herodotus, 1890/ VI: 94; Diodorus Siculus, 1956/X, 97). مادها در دوران هخامنشیان جایگاه

| داتیس، فرمانده داریوش بزرگ در نبرد ماراتن: پارسی یا مادی؟ | ۱۵۹

برجسته‌ای داشتند و حتی کورش بزرگ به پارس‌ها دستور داد جُبه مادی بپوشند. اصولاً امپراتوری هخامنشیان از دید خارجیان بیشتر با عنوان امپراتوری ماد شناخته شد که این امر گاهی اوقات در نامیده‌شدن افراد پارسی به مادی نیز اتفاق می‌افتاد (Frye, 1965: 85; Munson, 2009: 460). در کتیبه‌های پارسی باستان در دوره هخامنشیان نام مادها در بیشتر موارد با نام پارس‌ها همراه شده و نیز در کنار هر کدام از نخبگان یا اشراف پارسی در تخت جمشید یک شخص مادی تصویر شده است (Imanpour, 2002: 76). 2003 مردمان دوران باستان به ویژه یونانی‌ها و مصری‌ها شاهنشاهی هخامنشیان را ادامه دولت ماد می‌دانستند و از جنگ‌های ایران و یونان تحت عنوان جنگ‌های مادی یاد می‌کردند و حتی پارسیان را مادی می‌نامیدند (Tuplin, 1994: 230-150; Godley, 1960: 161-171). که همه این موارد می‌تواند عاملی برای نامیده‌شدن «داتیس پارسی» توسط هرودوت و دیگر مورخان که از وی پیروی کرده‌اند، به «داتیس مادی» شود.

علاوه بر تمام این موارد، خود نام «دَتیَه» نیز بسیار بحث‌برانگیز است. مورخان بدون توجه به نام‌واژه این اسم، آن را مادی می‌نامند، اما دَتیَه یک نام کاملاً پارسی است. نام دَتیَه (Da-ti-ya) را می‌توان در کنار نام «مَرتیه» (Martiya/ Mar-ti-ya) قرار داد که در زمان داریوش بزرگ در عیلام شورش کرده بود و همان‌طور که می‌دانیم به گفته داریوش و مورخان امروزی، مَرتیه یک نام کاملاً پارسی است (Briant, 2002: 120-122; Tavernier, 2004: 26-28). و این نام‌شناسی در مورد نام‌واژه دَتیَه نیز کاملاً صدق می‌کند؛ بنابراین (Da-ti-ya) نیز باید یک نام پارسی باشد، اما عامل دیگر نامیده‌شدن داتیس به داتیس مادی، ناشی از سوء برداشت یونانی‌ها از رفتار هخامنشیان در رابطه با افراد برجسته ایرانی است. بدین معنی که آنان افراد برجسته ایرانی را با نام ایالتی که بر آن حکومت می‌کردند می‌شناختند (Sekunda, 2002: 15-16). پلوتارک می‌گوید که داتیس یک ساتراپ بوده است (Plutarch's, 2007: 302-305, 323) و این اطلاعات در سویداس نیز تکرار شده است. سویداس علاوه بر اینکه داتیس را یک ساتراپ می‌نامد، از داتیس تحت عنوان «داتیس پرسس» سخن می‌گوید (Briant, 2002: 893).

احتمالاً داتیس یک پارسی بوده است که مسئولیت استانداری/ساتراپی «ساتراپ ماد» را برعهده داشته است (Sekunda, 2002: 15-16) و شاید به همین دلیل «داتیس مادی» خوانده شده است. وی احتمالاً فعالیت خود را نیز از زمان کمبوجیه آغاز کرده و در زمان داریوش نقش نظامی درجه یک را در پایان دهه ۴۹۰ پ.م ایفا کرد (Briant, 2002: 81). اینکه در این برهه از زمان که داریوش کاملاً از سوی مادها تهدید جدی شده بود، با کنار نهادن مردونیه و انتخاب یک شخص مادی به عنوان فرمانده نبرد ماراتن، شخصی که از نظر رتبه و درجه چندان جایگاهی را به خود اختصاص نداده بود، آن هم برای نبردی که خود داریوش به خطرات آن کاملاً واقف بود، کاری خطرناک و به دور از انتظار می نمود و مسلماً داتیس بدون سابقه چنین جایگاهی را نمی توانست اشغال کند؛ بنابراین همان طور که گفته شد داتیس باید یک پارسی و ساتراپ ماد بوده باشد و شاید اشاره پلوتارک به واقعیت نزدیک باشد که او را یک ساتراپ می نامد (Plutarch's, 2007: 893).

۲-۲. داتیس، ساتراپ ماد

پس از کوچ آریایی ها به درون ایران که گویا مادها، پارس ها و پارت ها آخرین موج از این کوچ آریایی بودند (Imanpour, 2012: 101-109)، نام مادها برای اولین بار در کتیبه شالمانصر سوم در اواسط قرن نهم پیش از میلاد در کنار سایر اقوام ساکن در دامنه کوه های زاگرس آمده است؛ Olmstead, 1951: 117; Parpola, 1970: 230-231; Levine, 1969: 77; Kuhrt, 2007: 22-28) در سده ششم پیش از میلاد نیز، مادها پادشاهی مستقلی تشکیل دادند که به اوج توانایی خود رسید، و رهبر سلحشور و تیزهوش آن، هووخشتر (Huvakhshathra)، در ۶۱۲ پ.م دولت آشور را برانداخت و بر بخش وسیعی از ایران تسلط یافت (شاپور شهبازی، ۱۳۵۰: ۱). طبق نوشته تاریخی بابلی، هنگام لشکرکشی آستیاک علیه پارس ها در سال ۵۵۰ پ.م سپاهش بر او شوریدند، او را گرفتار کردند و به کوروش سپردند (گرانفسگی، ۱۳۵۹: ۷۰).

با تشکیل حکومت هخامنشی توسط کوروش بزرگ، بسیاری از سرزمین ها و قبایل

تحت سلطه وی درآمدند و مناصب نظامی و درجه اول را در اختیار گرفتند. در میان اقوامی که تحت سلطه پارسها درآمدند، مادها تنها کسانی بودند که مناصب درجه اول را اشغال کردند به طوری که کوروش برای سرکوبی شورشهای متعدد از فرماندهان مادی استفاده می‌کرد (Munson, 2009: 460). وی با شنیدن خبر شورش پاکتوس لیدیایی، مازارس مادی را مأمور عملیات سرکوب و فتح مجدد آن خطه کرد و مازارس نیز به خوبی از عهده این عملیات برآمد. پس از مرگ مازارس، مادی دیگری به نام هاراپاگ، همان که هنگام فتح ماد به کوروش گرویده بود و باعث پیشرفت کار وی شد، جانشین او شد و فرماندهی را به عهده گرفت. وی از اشراف و بزرگان ماد بود و از متنفذترین اعیان ماد به شمار می‌رفت. او بود که فتح کرانه ساحلی آسیای کوچک و شهرهای ایونی را به انجام رساند (شایان، ۱۳۵۱: ۷۴; Christoph, 2011: 689-693; Munson, 2009: 460; Frye, 1965: 81; Frye, 1965: 85; Imanpour, 1998: 200).

پس از مرگ کوروش و با جانشینی کمبوجیه روند ورود مادها به دربار پارس متوقف نشد و مادها همچنان مقامات مهم دربار را اشغال کرده بودند، اما آن جایگاهی را که در زمان کوروش بزرگ داشتند در زمان کمبوجیه به دست نیاوردند. به همین دلیل زمانی که کمبوجیه در مصر به سر می‌برد، شاید مادها به رهبری گنومات مغ که مادی بود، دست به کودتا زده و حکومت را برای مدت چند ماه از دست پارسها خارج کردند (Kent, 1953: 116-120). اما با روی کار آمدن داریوش اوضاع دربار کاملاً دگرگون شد. وی دست مادها را از حکومت کوتاه کرد و ساتراپی ماد را برای کاهش نفوذ و اعتبار آن آخرین ساتراپی‌های غربی قرار داد. شاهنشاهی هخامنشیان به بخش‌های سیاسی اداری مختلف تقسیم می‌شد که آوانویسی بابلی برای واژه فارسی باستان خشترپاون (xšaçapāvan = نگهبان شاهی) بود و به یونانی ساتراپ می‌نامیدند. واژه ساتراپ به معنای سرزمین، استان، شهرستان، دولت و کشور به کار می‌رفت و

بعدها به شهرهای امروزی نیز اطلاق شد (داندامایف، ۱۳۹۱: ۱۸؛ Briant, 2002: 64-70). در زمان نگارش کتیبه بیستون، نام ماد در ردیف ساتراپی دهم قرار گرفت، البته در دیگر کتیبه‌های به‌جا مانده، ماد جایگاه خود را به دست آورد (Lecoq, 1997: 246).

آوردن نام مادها در ردیف دهم و نهم در کتیبه داریوش در بیستون (Db) و پرسپولیس (Dpe) می‌تواند علاوه بر تأثیر شورش‌های پیاپی در سرزمین ماد در زمان روی کار آمدن داریوش بزرگ، ناشی از عوامل متعدد دیگری نیز باشد که در چنین تصمیمی نقش عمده‌ای داشته است؛ هرچند به دلیل روی کار آمدن داریوش شورش‌های متعددی خصوصاً در سرزمین‌های مرکزی و نزدیک به مرکز حکومت مانند سرزمین پارس، عیلام، بابل و ماد اتفاق افتاد، اما این شورش‌ها در ماد و توسط مادی‌ها با شدت بیشتری برخوردار بود (ایمانپور، ۱۳۸۸: ۳۶)، که برای مثال می‌توان به شورش گئوماته در پیشیا هووادا (Paisiyāvuhvada) در نسای ماد (Db، ستون ۱، بند ۱۱، سطر ۳۶)، شورش فرورتیش در کودروش (kudurus)، در سرزمین ماد (Db، ستون ۲، بند ۱۲، سطرهای ۶۵-۶۶)، شورش چیستتخمه (Cicantaxma)، که خود را از خاندان هوخشتره مادی می‌دانست (Db، ستون ۱۴، بند ۸۲) در اسگرته (Asgarta) نام برد (Kent, 1953: 126-135)، اما در این زمان، داتیس که احتمالاً، باید مانند داریوش فعالیت رسمی خود را از زمان کمبوجیه آغاز کرده باشد، مورد توجه داریوش قرار گرفت و ساتراپی ماد به وی سپرده شد (Sekunda, 2002: 15-16). به ویژه زمانی که داریوش با شورش‌های بزرگی در پارس، پارت، عیلام و دیگر مناطق شاهنشاهی روبه‌رو شد.

داریوش در نیمه ژانویه سال ۵۲۱ پ.م. پس از سرکوب بابلی‌ها، پایگاه فرماندهی خود را برای نبرد با شورش مادها و دیگر شورش‌ها، در ساتراپی ماد که فرماندهان او در این ساتراپی با سختی‌های زیادی روبه‌رو شده بودند، قرار داد. در آغاز شهریاری داریوش بزرگ، یکی از مادها به نام فرورتیش که خود را خشثریته از تخمه هوخشتره می‌خواند، مادها را به شورش برانگیخت و مردمانی از سرزمین‌های پرثوه و هیرکانی نیز به او پیوستند؛ اگرچه فرورتیش در نبردی خونین از سپاهیان داریوش شکست خورد و به راگا (= ری) گریخت، اما همچنان به کمک پرثوه‌ای‌ها و هیرکانیان امیدوار بود.

داتیس، فرمانده داریوش بزرگ در نبرد ماراتن: پارسی یا مادی؟ | ۱۶۳

فرورتیش در راگا نیز شکست خورد، اما توانست یک‌چند از قلمرو خود در برابر سپاهیان داریوش دفاع کند و تنها در نتیجه برتری خردکننده نیروهای حریفان مغلوب شد (دیاکونوف، ۱۳۸۸: ۴۰۰؛ توین بی، ۱۳۷۸: ۴۴؛ دیاکونوف، ۱۳۴۴: ۶۶۷-۶۶۶؛ هینتس، ۱۳۸۶: ۱۴۵؛ فرای، ۱۳۸۸: ۱۵۴؛ داندامایف، ۱۳۸۹: ۱۶۰؛ علی یف، ۱۳۸۸: ۴۴). (Sykes, 1958: 61,160; Kent, 1953: 127; 44)

سرانجام داریوش اول، سپاهی را برای کمک به پدرش ویشتاسپ در ۵۲۱ پ.م به شرق اعزام کرد تا او توانست شورش‌های پارت و هیرکانیه را که به کمک فرورتیش برخاسته بودند سرکوب کند (کوک، ۱۳۸۴: ۱۱۱؛ داندامایف، ۱۳۸۹: ۱۴۲). وی با پارتی‌های شورشی و هیرکانی‌ها جنگید (Kuhrt, 2007/ I: 140). و در روز ۱۱ ژوئیه ۵۲۱ پ.م. ویشتاسپه بر پارت و هیرکانی‌های شورشی پیروز شد که مطابق نوشته کتیبه بیستون (Db) ۶۵۲۰ کشته و ۴۱۹۲ اسیر دادند (3-1: Bivar, 2012; Kent, 1953: 127).

به نظر می‌رسد یکی از سرداران داریوش که در این زمان در ماد به نبرد با فرورتیش مادی می‌پرداخت و داریوش برای کمک به وی ستاد فرماندهی خود را در ماد برپا کرد، داتیس پارسی بوده است؛ اگرچه در این زمینه نمی‌توان نظر قطعی داد، اما شواهد و مدارک حاکی از آن هستند که یا داتیس قبل از شورش ماد حاکم این منطقه بوده است، به طوری که فرورتیش برای نبرد با داریوش بیشتر به نیروهای پارت و هیرکانی امیدوار است تا به نیروی مادی و یا اینکه بعد از ورود داریوش به ماد و نبرد با سرکرده مادی که خود داریوش بر وی پیروز می‌شود، داتیس را ساتراپ ماد قرار می‌دهد (Sekunda, 2002: 15-16; Briant, 2002: 893; Plutarch's, 2007: 302-305, 323).

البته این احتمال نیز وجود دارد که وی در زمان شورش‌ها در غرب دارای مسئولیت بود (Sekunda, 2002: 15-16). در تأیید این نظر باید به لوحی اشاره کرد که در تخت جمشید کشف شده و داتیس در آن سندی را با خود حمل می‌کند.

در لوح کشف شده در تخت جمشید، داتیس یک سند مهر و موم شده متعلق به پادشاه را با خود حمل می‌کند. او از طریق ساردیس در ماه یازدهم سال ۲۷ به نزد پادشاه در پرسپولیس رفت.

(7 mar-ri-is KAS\lg m.Da-ti-ya gal-ma du-is hal-mi m.sunki-na ku-iz h.Is-par-da-mar pir-ra-dazi- is riz1-zi-i[s] h. Ba-ir-[sa] m.sunki-rik1-ka pa-ras d.ITU.lg Sa-mi-man- a rtas1 h.be-ul 27-um-men h.Hi-da-li).

«داتیه ۷ مریش شراب به‌عنوان جیره دریافت کرد. وی سندی مهر و موم شده (هلمی) از شاه را به همراه داشت، او از ساردیس حرکت کرد و به نزد پادشاه در پرسپولیس رفت در ماه یازدهم از سال ۲۷ در هیدالی»

آوردن نام داتیس در شمار دریافت کننده‌گان جیره شراب تخت جمشید خود گویای مقام برجسته سیاسی و اداری اوست. تعداد اندکی از افرادی که در سهم‌بندی تخت جمشید نام برده شده‌اند، سهمی به بزرگی هفت لیتر از شراب یا آبجو را دریافت کرده‌اند و یا حتی نام آن‌ها در این اسناد ذکر شده است. طبق دانسته‌های ما پاراناکه (=فرنکه) یعنی عموی پادشاه و مسئول اداری امور اقتصادی پارس توانسته است این مقدار شراب دریافت کند که سهمش برابر با ۹۰ لیتر است (ویسهوفر، ۱۳۹۰: ۹۵). گوبریاس، پدر مردونیوس نیز، یکی از بزرگ‌ترین مردان پادشاهی است که برابر با ۱۰۰ لیتر شراب دریافت می‌کند.

این لوحه بین ۱۷ ژانویه و ۱۵ فوریه ۴۹۴ در هیدالی نوشته شده است و تنها سه ایستگاه در مسیر تخت جمشید تا آنجا وجود داشته داشته است و هم اکنون داتیس در هیدالی قرار دارد که تنها سه ایستگاه از پادشاه در تخت جمشید فاصله دارد؛ بنابراین این سفر را می‌توان یک سفر چهار روزه تخمین زد، البته اگر بدون اسب باشد، اما او سریع‌تر حرکت کرده است؛ بنابراین وی دارای اسب نیز بوده است که احتمالاً تجهیزات خاصی را نیز به همراه داشته است (Sekunda, 2002: 15-16; Lewis, 1980: 195- 196).

در هر حال تاریخ این لوحه را می‌توان زمستان و قبل از شورش ایونی‌ها در نظر گرفت. داتیس تحت فرمان داریوش مسافرت می‌کند؛ معمولاً مسافرت‌ها از نقطه آغاز تأیید می‌شوند و در شرایط عادی و معمول تنها پادشاه سفرهای برگشت را تأیید می‌کند؛ بنابراین می‌توان دریافت که وی تحت حکم داریوش در حال برگشت از سفر ساردیس بود. این سفر ممکن است یک نوع بازرسی و هماهنگی لازم برای حمله

داتیس، فرمانده داریوش بزرگ در نبرد ماراتن: پارسی یا مادی؟ | ۱۶۵

نهایی باشد (Lewis, 1980: 195-196). به ویژه با ارتافرن برادر داریوش که شهربان لیدی بود (در سال‌های میان ۵۱۱ تا ۴۹۲ ق.م، در متن تخت جمشید این واقعیت که ارتافرن برادر داریوش در نوامبر ۴۹۵ در آسیای کوچک می‌زیسته، تأیید شده است) و همراه با داتیس فرماندهی نبرد ماراتن را بر عهده داشت (ویسهوفر، ۱۳۹۰: ۹۸-۹۶)؛ بنابراین داتیس علاوه بر بازرسی از ساتراپی‌های آسیای کوچک، در این زمان هماهنگی‌های لازم را با حاکم سارد و لیدی در رابطه با حمله آتی به یونان انجام داد.

با کنار هم قراردادن اطلاعات به نظر می‌رسد که داتیس در این زمان فرمانده تمام نیروهای پارسی در غرب بوده است و از نظر رتبه و درجه از تمام فرماندهان محلی و دیگر فرماندهان منصوب شده توسط پادشاه بالاتر بوده است. شاید لقب او «رهبر میزبانان» بوده است (Sekunda, 2002: 15-16). در هر حال، نامیده شدن داتیس به داتیس مادی نیز، که در بیشتر متون کهن با این لقب همراه است، ما را وادار می‌کند تا بپذیریم که اگر چه مورخان و حکومت‌های خارجی نام مادها و پارس‌ها را با هم اختلاط کرده و این عاملی برای نامیده شدن پارس‌ها به مادی شده، اما وی پیش از فرماندهی در نبرد ماراتن، در غرب و حاکم ساتراپی ماد بوده است و به همین دلیل به داتیس مادی شهرت یافت.

۲-۳. استراتژی داتیس در ماراتن

داریوش بزرگ ناگزیر مردونیه را که در لشکرکشی خود ناکام شده بود، از فرماندهی کنار گذاشت و فرماندهی سپاهیان را به برادرزاده خود، ارتافرن و داتیس پارسی سپرد تا به سوی ارتریا و آتن پیشروی کنند. هدف این بود که این دو شهر را وادار به تسلیم کنند. داتیس در آستانه یورش پایانی و در هنگام شورش ایونیه، به فرمان داریوش برای انجام یک سفر تفحصی به آسیای کوچک رفته بود (Briant, 2002: 370, 148-149; Briant, 2012: 198)؛ از این رو، نباید انگاشت که داریوش بزرگ، داتیس را بدون داشتن پیشینه فرماندهی و کارآزمودگی جنگی، برای فرماندهی چنین جنگ بزرگی برگزیده باشد. داتیس باید در این مأموریت، آگاهی‌های لازم را برای نبرد آتی و میزان آذوقه و

تعداد جنگاورانی که باید در این نبرد او را همراهی می‌کردند، فراهم آورده باشد. داتیس برخلاف مردونیه، به تراکیه و مقدونیه نرفت، بلکه به سوی جزایر سیکلاد راند و فرماندهی ناوگان دریایی را نیز خود به دست گرفت (داندامایف، ۱۳۸۹: ۲۲۵؛ دیاکونوف، ۱۳۸۸: ۴۰۵؛ Abrams, 2008: 34-39; Poolos, 2008: 98-100).

هنگامی که سپاه ایران به جزیره دلس نزدیک شد، داتیس که خود از دیگران پیش افتاده بود، به کشتی‌هایش اجازه نداد در جزیره لنگر بیندازند، و آن‌ها را کمی دورتر به رینا فرستاد؛ چون پس از پرس‌وجو فهمید که دلسی‌ها گریخته‌اند، برای آن‌ها پیغام فرستاد که چرا پیش از آنکه از قصد من آگاه شوید، فرار کرده‌اید؟ من خود به اندازه کافی خرد دارم و حتی اگر شاه بزرگ دستور داده باشد، هیچ‌گاه به سرزمین زادگاه بزرگان صدمه نمی‌زنم و به ساکنان آن نیز آسیبی نمی‌رسانم. پس به خانه‌های خود بازگردید و با آرامش در جزیره خود زندگی کنید. (Herodotus, 1890/ VI: 96-97; Wiesehöfer, 2009: 162,168). داتیس حتی در نبرد ماراتن هدایای گرانبهایی به کاهنان معبد آپولو واقع در دلس تقدیم داشت (داندامایف، ۱۳۸۹: ۲۴۹).

پاره‌ای از پژوهندگان درباره پیشکش‌های داتیس به پرستشگاه دلسی تردید کرده‌اند و این گزارش را ساختگی می‌دانند، اما هنوز نکته‌هایی وجود دارد که باید توضیح داده شوند. به استناد شماری از اطلاعات ارائه‌شده در الواح تخت جمشید تاریخ ۴۹۷ پ.م، زمان برخوردهای قبرس را پیشنهاد می‌کند، البته فرضیه دیگری زمان اهدای این پیشکش‌ها را وقتی می‌داند که داتیس کیلیکیه را به قصد عزیمت به ناکسوس ترک می‌کند (Murray, 1988: 468-469; Baslez, 1985: 138-141; Briant, 2002: 906; Burn, 1984: 218). در هر صورت زمان اهدای این عطایا در هر برهه‌ای از زمان باشد، داتیس به عقیده خود یا به حکم داریوش مقدسات ملل را محترم می‌داشته است و چنین هدایایی به معبد دلس توسط داتیس هدیه شده است. البته در صورتی که این فرضیه پذیرفته شود این سیاست داتیس احتمالاً به دلایل سیاسی و آشنایی داتیس با مردمان این منطقه بوده است (پیرنیا، ۱۳۸۶: ۵۶۷/۱). نخستین هدف این لشکرکشی به

داتیس، فرمانده داریوش بزرگ در نبرد ماراتن: پارسی یا مادی؟ | ۱۶۷

انجام رسیده بود و تنها آتن باقی مانده بود که تسلیم شود. داتیس اکنون می‌توانست امید داشته باشد که آتن نیز به دست دوستان خود، یا هواخواهان هیپیس که با سپاه پارسی بود یا به دست الکیونیدها که رهبران دموکراتیک بودند به او تسلیم شود. البته تنها پلاتیان به یاری آتنی‌ها آمده بودند و اسپارته‌ها به انتظار کامل شدن ماه بودند (اومستد، ۱۳۹۰: ۲۱۹-۲۱۷).

داتیس بر این باور بود که یا آتنی‌ها به دشت ماراتن خواهند آمد که در آن صورت آن‌ها را تارومار خواهد کرد و یا از شهر بیرون نخواهند آمد و آنگاه ایرانیان به سراغ آن‌ها خواهند رفت. این موقعیت زمانی بود که ایرانیان هنوز کنترل دریا را در دست داشتند و به آسانی می‌توانستند رابطه آتن را با دریا قطع کنند و مانع دسترسی آنان به غله شوند (داندامایف، ۱۳۸۹: ۲۲۶). داتیس فرمانده پارسی، بیهوده در انتظار خبر و نشانه‌ای از دوستان آتنی بود. چون خبری نشد تصمیم گرفت دست به اقدامی بزند. وی تصمیم گرفت بخشی از سپاه خود را با قایق به آتن بفرستد تا شهر را تصرف کند. برای اجرای این کار او مجبور بود سپاهیان خود را به دو بخش تقسیم کند. این تصمیمی بود آمیخته با خطر، کاری که تا آن زمان انجام نداده بود. بخشی از سپاهیان از جمله بخشی از سواره‌نظام سوار قایق‌ها شدند. ظاهراً این کار شب هنگام و در زیر نور ماه اجرا شد. پیروزی در این عملیات بستگی به عمل غافلگیری داشت (Sekunda, 2002: 52)، اما میلیتادس نقشه داتیس را حدس زده بود، یا اینکه امکان داشت یونانی‌هایی که در ارتش ایران خدمت می‌کردند، خبر این موضوع را به او رسانده باشند. ممکن بود آن‌ها به میلیتادس گفته باشند که سواره‌نظام هم اکنون در قایق‌ها هستند، در نتیجه پیاده‌نظام که تجهیزات اندکی دارند در دشت باقی مانده‌اند. در فرهنگ بیزانتین به نام سوداس تحت عنوان «سواره نظام دور شدند» آمده است که هنگامی که داتیس سواره‌نظام را به آتیکا فرستاد، یونانیها بالای درخت رفتند و به آتنی‌ها علامت دادند که سواره‌نظام دور شده است و میلیتادس پس از آگاه شدن از موضوع به ایرانیان حمله کرد و پیروزی به دست آورد (داندامایف، ۱۳۸۹: ۲۲۹-۲۳۰؛ هوار، ۱۳۷۵: ۶۵-۶۴؛ ناردو، ۱۳۹۴: ۹۳-۹۲).

طبق توصیه هیپیاس حکمران مستبد یا جبار سابق آتنی که در آن زمان در ایران در تبعید به سر می‌برد، ناوگان ایرانیان در خلیج ماراتن لنگر انداخت تا برای حمله به آتنی‌ها آماده شوند. ماراتن مناسب‌ترین مکان در آتیکه برای عملیات سواره‌نظام و نزدیک‌ترین مکان به ارتزیا بود. آتنی‌ها در دشت ماراتن با سپاه ایران روبه‌رو شدند و در پی حمله‌ای غافلگیرانه که باعث شد ایرانیان نتوانند از سواره‌نظام خود استفاده کنند، سپاهیان ایران مجبور به فرار شدند که در نتیجه در باتلاق و مرداب گیر افتادند و تلفات سنگی متحمل شدند و بسیاری از سربازان نیز در مرداب‌ها ناپدید شدند (Brosius, 2006: 22-23; Wallinga, 2005: 36). با انتشار این خبر، اسپارتیان جشنی مذهبی را بهانه کردند که خروج از قلمرو اسپارت را در آن زمان بر آن‌ها ممنوع می‌داشت. آنان چند روز بعد از نبرد به ماراتن آمدند (Briant, 2002: 160-161؛ دیاکونوف، ۱۳۹۰: ۱۰۵). داتیس نیز کشته شد و طبق گزارش کتسیاس، کالدش را برخلاف پارسیان به ایران بازنگرداندند (Ctesias, 2010: 181).



DATIS.

KALLIMACHOS.

تصویر بازسازی‌شده داتیس در حال نبرد با کالیماخوس در نبرد ماراتن (Robert, 2018)

۴-۲. داتیس و ناکامی در ماراتن

به نظر می‌رسد باید گفته‌های جان واری را دربارهٔ ایونی‌ها پذیرفت. از نظر وی هم داریوش و هم ایونیان به نتایج اشتباهی رسیده بودند که به یکدیگر اعتماد کرده بودند، به ویژه در زمان حملهٔ داریوش به سکاها (Warry, 1995: 25). اگرچه در این حمله اعتماد به آن‌ها کاملاً به جا بود، اما آن‌ها در پی فرصتی بودند تا ضربهٔ نهایی را به داتیس وارد کنند. داتیس نیز کاملاً به این امر واقف بود، اما تنها ماموریت داشت که هجومی ببرد و پرستشگاه‌ها و خانه‌ها را ویران سازد و اسرای بگيرد و به آسیای کوچک برگردد (Briant, 2002: 161).

هرودوت فرامین ابلاغی به داتیس و ارتافرن را این چنین آورده است: «آتن و ارتریا را به بردگی فرو کاهید و مردمان فروکاسته به بردگی این دو سرزمین را با خود بیاورید». (Briant, 2002: 158; Herodotus, 1890/ VI: 101-120). با توجه به نوشتهٔ هرودوت، داتیس به نوعی به پیروزی دست یافت؛ زیرا همان‌طور که داریوش خواسته بود ارتریا را به بردگی کشاند، اگر چه خود کشته شد.

اومستد دلیل شکست داتیس را ویران کردن شهر و پرستشگاه‌های ارتری و به بردگی درآوردن مردمانش می‌داند (اومستد، ۱۳۹۰: ۲۱۹-۲۱۷). البته شکست داتیس را نمی‌توان به دلیل رفتار وی در ارتری دانست. وی فرماندهی کارآزموده و آشنا به امور جنگ بود و می‌دانست که چنین عملی پیامدهایی نیز دارد و حتماً بدون در نظر گرفتن پیامدهای آن به چنین عملی دست نزده است، همان‌طور که هرودوت به درستی می‌گوید، وی در دلوس رفتاری برخلاف این را در پیش گرفت و با فرستادن پیک‌هایی به اهالی دلوس فهماند که در امنیت و آسایش هستند (Herodotus, 1890/ VI: 97; Wiesehöfer, 2009: 162, 168). و یا رفتاری که نسبت به تپسی‌ها پیش گرفت و مجسمهٔ معابد آن‌ها را به ایشان بازگرداند (Briant, 2002: 906; Baslez, 1985: 138-141; Murray, 1988: 468-469; Burn, 1984: 218).

دلیل اصلی شکست داتیس در ماراتن را باید در آرایش جنگی داتیس دانست. در

ماراتن پارسیان و سکاها در قلب آرایش جنگی داتیس جای داشتند، آنان پیروز شدند، اما در جناحین پیروزی از آن آتینان و اهل پلاته بود، همین امر به پلاتی‌ها اجازه داد که حرکتی چرخشی انجام دهند و پارسیان و سکاها را در محاصره بگیرند: Briant, 2002: (539)؛ بنابراین دلیل اصلی شکست همان اعتماد به سربازانی غیر از پارسیان بود. از آنجا که پارسیان در قلب سپاه جای داشتند و در نبرد نیز پیروز میدان بودند؛ بنابراین تنها عامل شکست، جناحین و غیرپارسیان بودند که از گروه‌های مختلفی تشکیل شده بود؛ علاوه بر این، داتیس با تقسیم نیروهای خود به دو قسمت، با نیمی از نیروهایش جنگید. منابع نپوس آشکارا بر این باورند که داتیس تنها با نیمی از نیروهایش جنگید (Sekunda, 2002: 51-52).

آتینان ماراتن را پیروزی بزرگی برای خود می‌دانند، به طوری که این پیروزی و شرح ماجراهای داتیس و ملاقات وی با سفیران آتنی وارد داستان‌های آنان نیز شده است. به ویژه نقاشی‌های زیادی از نبرد داتیس با کلیماخوس فرمانده یونانی به تصویر کشیده شد (Tuplin, 1996: 146,154; Pliny, 1961/ XXXV: 305). داتیس به سرعت وارد اسطوره‌های محبوب یونانی شد. پیداکردن داتیس واقعی در بین این افسانه‌ها تقریباً غیرممکن و بسیار سخت است (Lewis, 1980: 195-196). چنان‌که استراکن (Ostrakon) که خلاقیت و مهارت شعر اشرافی برای وی توصیف شده است، را برادر داتیس می‌دانند. در این اسطوره‌ها استراکن برادر همان فرماندهی است که در نبرد ماراتن کشته شد (Mcmullin, 2001: /97: 63).

۲-۵. فرزندان داتیس در یورش خشایارشا به یونان

داریوش بزرگ برای جنگی دیگر با آتنی‌ها آماده می‌شد، اما با مرگ او یک‌چند برنامه‌های جنگی ایرانیان به فراموشی سپرده شد. مهم‌ترین رخداد دوره فرمانروایی خشایارشا (۴۸۶-۴۶۵ پ.م.)، پسر و جانشین داریوش بزرگ، جنگ‌های او با یونانیان بود. از دیدگاه یونانیانی همچون هرودوت و کتزیاس، یکی از دلایل یورش خشایارشا

داتیس، فرمانده داریوش بزرگ در نبرد ماراتن: پارسی یا مادی؟ | ۱۷۱

به یونان این بود که آتنی‌ها داتیس را کشتند و کالبدش را پس ندادند (Ctesias, 2010: 1890/ VII: 8-9; Henkelman, 2007: 2; Tuplin, 2006: 15; 181; Herodotus, 2009:192 199-200). در یورش خشایارشا به یونان در سال ۴۸۰ پ.م. فرماندهان سپاه سواره خشایارشا، دو پسر داتیس به نام‌های هارمامیترس (Harmamithres) و تیتایوس (Tithaios) بودند که از نام آن‌ها پیداست که پارسی بوده‌اند. گویا یکی دیگر از پسران داتیس، عنوان کوردبیتش داشته است و زیر نظر زیشویس و در فرمان فرنکه، عمومی داریوش که اداره امور اقتصادی پارس در دوره داریوش به عهده او بود، کار می‌کرده است (Henkelman, 2008: 250-251; Briant, 2002: 352). البته این احتمال نیز وجود دارد که این پسر داتیس، یکی از همان دو فرمانده خشایارشا در یورش به یونان بوده باشد. با وجود سکوت منابع، شاید این پسران داتیس در دوره داریوش نیز دارای مقام نظامی بوده‌اند و حتی ممکن است در نبرد ماراتن نیز پدر خود را همراهی می‌کرده‌اند.

۳. نتیجه‌گیری

در الواح کشف‌شده در تخت جمشید داتیس به صورت دتیه آمده است و یونانیان به آن داتیس می‌گفتند. با کنار هم قراردادن اسناد و مدارک باقی‌مانده از دوره هخامنشیان، به نظر می‌رسد عواملی چند باعث شده است تا داتیس که در حقیقت پارسی بود و ساتراپی ماد را بر عهده داشت در نوشته‌ها و متون عهد کهن به داتیس مادی شهرت یابد. از جمله این عوامل می‌توان مادی دانستن تمام ایرانیان از سوی بیگانگان و حکومت‌های خارجی به ویژه مصر و یونان عنوان کرد؛ از جمله یونانیان که بیشتر اطلاعات تاریخی ما از این دوران به نوشته‌های یونانیان بر می‌گردد. آنان هخامنشیان را ادامه حکومت ماد دانسته و جنگ‌های فرماندهان مادی با یونانیان را نبردهای مادی می‌دانستند. عامل دیگر، آمیختن خود هخامنشیان با مادها در متون تخت جمشید و پوشیدن لباس و جامه مادی بود، که در دید خارجی این دو حکومت و ملت را یکی می‌کرد. البته مادها نیز با رسوخ در دولت هخامنشی از همان ابتدا امور نظامی را در

دست گرفتند، به ویژه در ابتدای تشکیل حکومت هخامنشی که می‌توان گفت بیشتر فرماندهان آنها مادی‌الاصل بوده‌اند. عامل دیگر را می‌توان، ناشی از سوء برداشت یونانی‌ها از رفتار هخامنشیان در رابطه با افراد برجسته ایرانی دانست؛ بدین معنی که آنها افراد برجسته ایرانی را با نام ایالتی که بر آن حکومت می‌کردند، می‌شناختند و از آنجا که داتیس بر ماد حکومت می‌کرد وی به داتیس مادی معروف شد.

خود نام‌واژه داتیس نیز پارسی است نه مادی. همان‌طور که گفته شد داتیس یا دتیه را می‌توان در کنار نام مرتبه قرار داد که یک نام کاملاً پارسی است، حتی اگر فرض کنیم که یک پارسی، بر خود نام مادی گذاشته است، در این صورت نیز، با توجه به دلایل بالا نمی‌توان گفت داتیس مادی بوده است. علاوه بر پارسی بودن نام داتیس، فرزندان وی نیز دارای نام‌های پارسی بوده‌اند. داتیس پیش از نبرد ماراتن، علاوه بر داشتن ساتراپی ماد، رهبر و فرمانده کل نیروهایی بود که در آسیای کوچک برای گشت‌زنی و جنگ با یونانیان جمع شده بودند. وی اگرچه نتوانست آتن را به تصرف درآورد، اما آنچه که داریوش از وی خواسته بود را بر آورده ساخت. پس از کشته شدن داتیس و برنگرداندن جسد وی به ایران، که عاملی برای یورش خشایارشا به یونان شد، دو تن از فرزندان وی به نام‌های هارمامیترس و تیتایوس فرماندهی سواره‌نظام خشایارشا را برعهده گرفتند.

داتیس، فرمانده داریوش بزرگ در نبرد مارتن: پارسی یا مادی؟ | ۱۷۳

فهرست منابع

- اومستد، آلبرت (۱۳۹۰)، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه محمد مقدم، تهران: مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر.
- ایمان‌پور، محمد تقی (۱۳۸۸)، «بررسی جایگاه سیاسی ساتراپ‌های هخامنشی در دوره داریوش بزرگ با تکیه بر کتیبه‌ها»، تاریخ ایران، شماره ۵/۶۱، صص ۲۳-۵۴.
- پیرنیا، حسن (۱۳۸۶)، تاریخ ایران باستان، ج ۳، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
- توین‌بی، آرنولد (۱۳۷۸)، جغرافیای اداری هخامنشیان، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- داندامایف، محمد ع. (۱۳۸۹)، تاریخ سیاسی هخامنشی، ترجمه فرید جواهرکلام، چاپ اول، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
- داندامایف، محمد ع. (۱۳۹۱)، ایرانیان در بابل هخامنشی، ترجمه محمود جعفری دهقی، تهران: انتشارات ققنوس.
- دیاکونوف، م.م. (۱۳۴۴)، اشکانیان، ترجمه کریم کشاورز، تهران: انجمن فرهنگ ایران باستان.
- دیاکونوف، ا.م. (۱۳۸۸)، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، چاپ نهم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- دیاکونوف، میخائیل میخائیلوویچ (۱۳۹۰)، تاریخ ایران باستان، ترجمه روحی ارباب، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- شاپور شهبازی، علیرضا (۱۳۵۰)، جهان‌داری داریوش بزرگ، تهران: انتشارات دانشگاه پهلوی.
- شایان، فریدون (۱۳۵۱)، سیری در تاریخ ایران باستان، تهران: انتشارات زر.
- علی یف، اقرار (۱۳۸۸)، پادشاهی ماد، ترجمه کامبیز میر بهاء، چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس.
- فرای، ریچارد نیلسون (۱۳۸۸)، تاریخ باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، چاپ چهارم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کوک، جان مانوئل (۱۳۸۴)، شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه مرتضی ثاقب فر، چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس.
- گراتنفسکی، ایوانف (۱۳۵۹)، تاریخ ایران، ترجمه سیروس ایزدی و حسین تحویلی، تهران: انتشارات دنیا.
- ناردو، دان (۱۳۹۴)، امپراتوری ایران، ترجمه مرتضی ثاقب فر، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات ققنوس.
- ویسهوفر، یوزف (۱۳۹۰)، ایران باستان، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: انتشارات ققنوس.

- هوار، کلمان (۱۳۷۵)، *ایران و تمدن ایرانی*، ترجمه حسن انوشه، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- هینتس، والتر (۱۳۸۶)، *داریوش و ایرانیان*، ترجمه پرویز رجیبی، تهران: نشر ماهی.
- Abrams, Dennis (2008), *Ancient World Leaders: Xerxes*, New York: Infobase Publishing.
- Baslez, M F (1985), "Presence et traditions iraniemies dans U cites de l'ILGec" KEA 87/1-2: 56-137.
- Bivar, A. D. H, (2012). "Gorgān". <http://www.iranicaonline.org/articles/gorgan-v>.
- Briant, Pierre (2002), *From Cyrus to Alexander: a history of the Persian Empire*, translated by Peter T. Daniels, United States of America.
- Briant, Pierre (2012), "From the Indus to the Mediterranean: The Administrative Organization and Logistics of the Great Roads of the Achaemenid Empire", *Highways, Byways, and Road Systems in the Pre-Modern World*, Edited by Susan E. Alcock, et al, Wiley & Sons, 185-201.
- Brosius, Maria (2006), *The Persians an Introduction*, London and New York: Routledge.
- Burn., A. R. (1984), *Persia and the Greeks*1. Oxford.
- Christoph, Michels (2011), "Cyeus II campaings against the Medes and the Lydians". *Herodot und das Persische Weltreich/ Herodot and the Persian Empire*. Edited by Robert Rollinger, Brigitte Truschnegg, Reinhold Bichler. Wiesbaden: Harrassowitz verlag.
- Ctesias, (2010), *Ctesias' History of Persia: Tales of the Orient*, translated with commentaries by lloyd Lewellyn-Jones and James Robson, Simultaneously published in the USA and Canada by Routledge.
- Diodorus Siculus (1956), *The Library of History of Diodorus of Sicily*, With an English translation by C. H. Oldfather. Volume two. London. Cambridge. Massachusetts: Harvard University Press.
- Frye, Richard. N, (1965), *History of civilization: the heritage of Persia*, London: Weidenfeld and Nicolson 20 New bond street London Wi.
- Georges, Pericles B. (2000), "Persian Ionia under Darius: The revolt reconsidered", Franz Steiner Verlag , Vol. 49, No. 1 , 1-39.
- Godley, A. D. (tr.) , (1960). *Herodotus*, vol 1, London and Cambridge, Mass., William Heinemann Ltd, and Harvard University press (The Loeb Classical Library.
- Grethlein, Jonas, (2009), "How not to do History: Xerxes in Herodotus' Histories", *American Journal of Philology*, 130, 195–218.
- Henkelman, F.M, (2008), *Achaemenid History XIV*, Chapter 3, The Ian Sacrifice, editorial board Pierre Briant, Amélie Kuhrt, Johan de Roos, Margaret C. Root, Heleen Sancisi-Weerdenburg and Josef Wiesehöfer, Belgium.
- Henkelman, F.M. (2007), "Der Grabhügel", To be published in: J. Wiesehöfer, G. Lanfranchi and R. Rollinger, 1-30.
- Herodotus (1890), *The history of Herodotus*, Translated into English by G. C. Macaulay, M.A. in two volumes, New York: Cambridge.
- Imanpour, Mohammad T, (2012), *The Land of Parsa: The First Persian Homeland (The Persian Empire birthplace history)*, Lambert Academic Publishing, Germany.
- Imanpour.M.T., (2002-2003), "The Medes and Persians were the Persians ever Ruled by the Medes? Name – ye Iran-e Bastan (*Interhational Journal of Ancient Iranian studies*). Vol.2. No. 2:60-79.
- Kent, R. G. (1953). *Old Persian*, Grammar, Texts, Lexicon. Second Edition. American Oriental Society: New Haven, Connecticut.

- Kuhrt, A., (2007). *The Persian Empire: A corpus of source from the Achaemenid period*, vol.1, Rutledge, London and New York.
- Lecoq, P. (1997), *Les inscriptions de la Perse achéménienne. Traduit du vieux Perse*, de Lelamit, du Babylonien et de Laraméen, Paris.
- Levine, L. D., (1969), *Contribution to the Historical Geography of the Zagros in the Neo-Assyrian Period*, a Ph.D. dissertation in the University of Pennsylvania.
- Lewis, D. M., (1980), "Datis the Mede." /HS 100: 194-95.
- McMullin, Rachel M., (2001), "Aspects of Medizing: Themistocles, Simonides, and Timocreon of Rhodes", *The Classical Journal*, Vol. 97, No. 1, Published by: The Classical Association of the Middle West and South, Inc. pp. 55-67.
- Munson, Rosaria Vignolo (2009), "Who Are Herodotus' Persians? ", Volume 102, Number 4, Published by Classical Association of the Atlantic States, pp. 457-47.
- Murray, O. (1988), "The Ionian revolt." CAH 42: 90-461.
- Olmstead, A. T., (1951), *History of Assyria*, 2 nd. ed., Chicago.
- Parpola, S., (1970), *Neo-Assyrian Toponyms*, Kevalaer: Butzon and Bercker.
- Pliny, (1961). *Natural History*, With an English Translation H. Rackham, M.A. In Ten Volumes. XXXV. London: Harvard University Press.
- Plutarch's, *Plutarch's lives*, (2007). Translation by Bernadotte Perrin. In elenen volumes. Vol XI, The loeb classical library founded by James Loeb, II.d. London, Mcmlsii. loeb classical library
- Poolos, Jamie (2008), *Darius the Great*, New York: Infobase Publishing.
- Robert, Carl (2018), " Marathon battle in Stoa Poikile", *Datis fighting Kallimachos at the Battle of Marathon in the Stoa Poikile* (reconstitution).
- Schmitt, R. (1984), "Perser und Persisches in der alten attischen Komödie," in *Orientalia J. Duchesne-Guillemin Emerito Oblata*, Acta Iranica 23, Leiden and Tehran, 73-459.
- Schmitt, Rüdiger (1994), "Datis", *Encyclopaedia Iranica*, in: EncIr., E. Yarshater, Vol. VII, Fasc. 2, pp. 126-127,
- Sekunda, Nicholas (2002), *Marathon 490 B C/the first Persian invasion of Greece*, Osprey publishing.
- Sykes, Sir Percy (1958), *A History of Persia*, 2 vols, London: Macmillan.
- Tavernier, Jan (2004), "Some thoughts on Neo-Elamite chronology", *ARTA*.003: 1-44.
- Tuplin, Christopher (1994), "Persian as Medians", In H. Sancisi- Weerdenburg et al. (eds), *Achaemenid History*, vol 8, Continuity and Change, Leiden, Nederlands Instituut voor Her Nabije Oosten
- Tuplin, Christopher (1996), *Achaemenid studies*, Germany: Franz Steiner verlag Stuttgart.
- Tuplin, Christopher (2006), "Ctesias as Military Historian", 1-51.
- Wallinga, H.T., (2005), *Xerxes' Greek adventure: The naval perspective*, Brill Leiden• Boston.
- Warry, John (1995), *Warfare in the classical World*. Norman: University of Oklahoma press.
- Wieshöfer, Josef (2009), "Greeks and Persians", Chapter nine, *A Companion to Archaic Greece*, Edited by Kurt A. Raaflaub and Hans van Wees, Wiley-Blackwell.

Transliteration

- Aliev, Igrar. (2008). *The History of Media*, translated by Kambiz Mir Baha. First edition. Tehran: Qoqnūs.
- Cook, John Manuel. (2005). *The Persian Empire*. translated by Morteza Saqeb Far. First edition. Tehran: Qoqnūs.
- Dandamaev, M. A (1965). *Parthians*, Translated by Karim Keshavarz. Tehran: Anjoman-e Farhang-e Irān Bāstān.
- Dandamaev, M. A (2010). *Političeskai a istorii a Akhemenidskoi derzhavy*. Translated by Farid Javaher Kalam. First edition. Tehran: Farzān Rūz.
- Dandamaev, M. A (2012). *Iranians in Achaemenid Babylonia*. Translated by Mahmoud Jafari Dehaghi. Tehran: Qoqnūs.
- Diakonov, A.M (2008). *History of media*. Translated by Karim Keshavarz. 9th edition Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- Diakonov, Mikhail Mikhailovich, (2011), *History of ancient persia*, translated by Ruhi Arbab, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- Fry, Richard Nelson. (2008). *The history of ancient Iran*. translated by Masoud Rajab Nia. Fourth edition. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- Grantevsky, Ivanov, Mikhail Sergeevich. (1980), *History of Iran*. Translated by Sirous Izadi and Hossein Tadari. Tehran: Donyā Publications.
- Hinz, Walther (2007), *Darius and the Iranians*. translated by Parviz Rajabi. Tehran: Našr-e Māhī.
- Huart, Clement (1996), *Ancient Persia and Iranian Civilization*. translated by Hasan Anousheh. Second edition. Tehran: Amīr Kabīr.
- Imanpour, Mohammad Taqi, (2008). " A Study of the Political position of Achaemenid Satrapie during the Reign of Darius the Great, based on Inscriptions ". *History of Iran*. No. 5/61, pp. 23-54.
- Nardo, Don (2015), *The Persian Empire*, translated by Morteza Saqeb Far. 14th edition. Tehran: Qoqnūs.
- Olmstead, Albert Ten Eyck, (2011), *The history of the Persian empire: Achaemenid period*, translated by Mohammad Moghadam, Tehran: Amīr Kabīr.
- Pirnia, Hassan, (2007), *History of Ancient Iran*, Volume 3, Tehran: Negāh.
- Shapour shahbazi, Alireza. (1971). *ĵahāndārī Dārīuš –e Bozorg*. Tehran: Pahlavi University Press.
- Shayan, Fereydoun. (1972). *A research in the history of ancient Iran*. Tehran: Zar Publications.
- Toynbee, Arnold Joseph, (1999). *The administrative geography of the achaemenian empire*. Translated by Homayoun Sanatizadeh. Tehran: Dr. Mahmoud Afshar Endowment Foundation.
- Wiesehofer, Josef (2011), *Ancient Persia*, translated by Morteza Saqebfar, Tehran: Qoqnūs.

Datis, the Commander of Darius the Great in the Battle of Marathon: Persian or Median?

Extensive Abstract

Introduction: With the establishment of the Achaemenid Empire by Cyrus the Great (550-530 BCE), although the Median dynasty was dismantled, many Median commanders joined forces with Cyrus, two notable figures being Harpagus and Mazares. During Cambyses' reign, the Medes also participated in many battles alongside the Persians. However, under Darius, after Gaumata's uprising and the rebellion of Phraortes in Media and Parthia, Darius grew suspicious of the Medes, believing they sought to restore their former rule. To curtail Median influence, and due to the rebellion that threatened the Achaemenid Empire, Darius ranked Media tenth in the list of satrapies in the Beistun inscription. Despite this, Darius appointed Datis as the commander of the Battle of Marathon in 490 BCE. Scholars remain divided over whether Datis was Median or Persian, although most Greek sources refer to him as "Datis the Mede." Given that Darius was highly distrustful of the Medes during this period, viewing them as a potential threat to overthrow the Persian rule, the presence of a Median commander at Marathon seems unlikely. It is plausible, therefore, that Datis was in fact Persian. To date, no independent research has been conducted on Datis; he is only briefly mentioned in various works when discussing the Battle of Marathon. Based on the analysis of sources, it appears that Datis was Persian, not Median.

Methodology: This study will employ a critical analysis of ancient historical reports and archaeological evidence to investigate the character of Datis, specifically focusing on whether he was Median or Persian. Additionally, it will explore the rationale behind Darius' decision to appoint him as the commander of the Battle of Marathon. By examining primary sources, such as Herodotus and inscriptions from the period, the research will analyze the socio-political context of Datis's role within the Achaemenid Empire. Furthermore, the study will consider the implications of his ethnic identity on military strategy and leadership, providing a nuanced understanding of the dynamics at play during the Persian expansion into Greece. Through this multi-faceted approach, the research aims to contribute to the broader discourse on Persian military history and its influential figures.

Discussion and Conclusion: In the tablets discovered at Persepolis, Datis is referred to as "Datiya," while the Greeks called him "Datis." By piecing together the available evidence from the Achaemenid period, it appears that several factors contributed to Datis, who was in fact Persian and governed the satrapy of Media, being referred to as "Datis the Mede" in ancient texts. One such factor is the tendency of foreign nations, particularly Egypt and Greece, to label all Iranians as Medes. The Greeks, from whom much of our historical knowledge of this period derives, viewed the Achaemenids as successors to the Median Empire and regarded the battles between Median commanders and the Greeks as "Median wars."

Another factor is the Achaemenid integration with the Medes, as reflected in the Persepolis inscriptions, where Achaemenid rulers wore Median garments, further blurring the distinction between the two nations in the eyes of foreigners. Additionally, the Medes held significant military influence in the early Achaemenid Empire, with many of the empire's initial commanders being of Median origin.

A final factor contributing to the misconception could be the Greek misunderstanding of Achaemenid practices regarding prominent figures. The Greeks often identified important Persian individuals by the provinces they governed, and since Datis governed Media, they referred to him as "Datis the Mede."

The name "Datis" itself is Persian, not Median. As mentioned earlier, "Datis" or "Datiya" can be compared to names like "Martiya," which is distinctly Persian. Even if one assumes that a Persian had adopted a Median name, given the arguments presented above, it still cannot be concluded that Datis was Median. In addition to the Persian origin of Datis' name, his children also bore Persian names. Before the Battle of Marathon, Datis not only held the satrapy of Media, but he was also the leader and commander of all forces assembled in Asia Minor to monitor and wage war against the Greeks. Although he failed to capture Athens, he fulfilled Darius' expectations. After Datis' death and the failure to return his body to Iran—an incident which contributed to Xerxes' invasion of Greece—two of Datis' sons, Harmamitres and Tithaeus, assumed command of Xerxes' cavalry. In conclusion, based on the evidence and arguments provided, Datis was Persian, not Median.

Keywords: Achaemenids, Medes, Darius the Great, Datis, Battle of Marathon.